

سالروز یادآوری حریم‌ها و حرمت حقوق دیگران

عید قربان را که بزرگداشت تسلیم توحیدی و تقرّب ابراهیم خلیل(ع) به پروردگار است، با این که یکی از دو عید بزرگ، بلکه مهمترین اعیاد اسلامی به شمار می‌رود، با بی خبری یا کم توجهی پشت سر گذاشتیم. این یادبود تاریخی را از زوایای مختلف مورد بازبینی قرار داده‌اند، نوشته زیر نگاهی است از منظری دیگر که شاید کمتر مورد توجه واقع شده باشد، نگاهی از منظر حریم و حرمت‌ها و احترام به حقوق دیگران، به حادثه‌ای در دورترین ادوار تاریخ از آدم و ابراهیم تا به امروز.

عید قربان در دهمین روز "ذی الحجه" قرار دارد. این نامی است که اعراب بر این ماه نهاده‌اند، اما قرآن آنرا همواره "ماه حرام" (شهر الحرام) نامیده است.

بقره ۱۹۴- الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ ۲۱۷- يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ... مانده ۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ....

اگر از نظر "زمان" این واقعه در ماه "حرام" اتفاق افتاده، "مکان" حادثه، یعنی سرزمین مکه نیز "بلده حرام" (شهر حرام) نامیده شده است: نمل ۹۱- إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنْ أُعْبَدَ رَبُّ هَذِهِ الْبِلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا...

مسجدی که در قلب این شهر توسط حضرت ابراهیم و اسمعیل(ع) تجدید بنا شده است، "مسجد الحرام" نامیده می‌شود و از ۲۵ باری که کلمه "حرام" در قرآن آمده، ۱۵ بار آن در وصف همین مسجد است! همچنین آنرا "کعبه بیت الحرام" (مکعب خانه حرام) نامیده است.

مانده ۹۷- جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ...

محلّی را که حاجیان در نهمین روز این ماه در آن اقامت می‌کنند "مشعر الحرام" (مکان یا مقام شعور به حریم‌ها و حرمت‌ها) می‌نامند: بقره ۱۹۸- فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...

مناسکی را نیز که حجاج در این سفر روحانی انجام می‌دهند قرآن "حُرُمَات" (حرمت‌ها) نامیده است: حج ۳۰- ... ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ....

لباس سفید دو تکه‌ای را که حجاج در بدو ورود به "حریم" مکه می‌پوشند "احرام" (در پوشش حرمت‌ها درآمدن) می‌نامند و به کسی که در چنین پوششی خود را قرار داده باشد "حُرْم" یا "مُحْرَم" می‌گویند:

مانده ۹۶ و ۱- ... أَجَلْتُمْ لَكُمْ بِهَيْمَةِ الْأَنْعَامِ إِنَّمَا مَا يُئْتِي عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَلِّي الصَّيِّدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ... وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا...

از این بیعت و در این مدت محدود اموری بر شخص "محرم"، "حرام" می‌شوند؛ از کندن سبزه‌ای از زمین (حفظ محیط زیست، احترام به گیاهان و رعایت حرمت آنان)، تا پرهیز از کشتن حیوانات، حتی حشرات (حفظ حرمت حیات موجودات)، و پرهیز از امر و نهی به دیگران، جدال و خروج از مقررات الهی (نگهداری حرمت دیگران و احترام به انسان) و...

به راستی هدف از این همه سخن گفتن از حرام و حریم و حرمت چیست؟! جز یادآوری "حقوقی" که باید "حرمت" آن نگه داشت و حدودی که "حریمش" را پاس داشت؟ پس جا دارد اعمال و مناسک حج را تماماً تمرینی برای رعایت "حریم"‌ها، یعنی مرزها و محدوده‌های مقابل نفس سرکش و طغیان هوا و هوس آدمی شمرد و آنرا شناخت "حرمت"‌ها، رواء، نارواها، قوانین و "احترام" به حقوق انسانها (حتی گیاهان و حیوانات) دانست.

ارتباط حرمت با "امنیت"

"حلال و حرام" در فکر و فرهنگ ما موضوعی فقهی مربوط به احکام شرع و عمدتاً در مورد خوردنی‌هاست و کمتر به معنای ریشه‌ای این کلمات که دلالت بر حریم و حقوقی می‌کند که نادیده گرفتنش نارواست توجه می‌کنیم. عناوین: شهر الحرام، بلده الحرام، مسجد الحرام، بیت الحرام، مشعر الحرام، حُرُمَات، مُحْرَم و... تماماً

در ارتباط با ضرورت "امنیت" در روزگار جاهلیت که خشم و خشونت و خون و قتل و غارت رسم قبائل دور از تمدن بوده در قرآن به کار گرفته شده است:

بقره ۱۲۵- وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمِنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى... ۞

واژه "حریم" از همان اولین آزمون آدم در بهشت در پرهیز از نزدیک شدن به "شجره"، که به گونه‌ای نمادین خویشتنداری و تسلط بر نفس را نشان می‌دهد تعریف گردید و در عداوت‌های بعدی میان فرزندان آدم پس از هبوط از بهشت موضوعیت جدی یافت. آدمیان در آغاز همچون حیوانات به قانون جنگل زندگی می‌کردند و حق همواره به نفع غلبه کننده بود. به تعبیر قرآن اولین خانه‌ای، که مستقل از مالکیت خصوصی، برای همه مردم در روی زمین ساخته شد همان است که در مکه مبارکه گویا توسط آدم ساخته شد تا هدایت‌گر آدمیان به حقوق خالق و خلق او باشد:

آل عمران ۹۶- إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِّلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ۗ... ۞

این خانه، یا مدرسه حقوق که در اثر سیل و سوانح طبیعی یا توسط ستمگران تخریب شده بود، مکان مخروبه‌اش به الهام الهی به ابراهیم خلیل نمایانده شد تا به کمک فرزند دلنبدش اسمعیل آنرا تجدید بنا کند. ابراهیم نیز در نخستین دعایش پس از تمام کردن این بنا، تبدیل شدن این مکان به "شهری امن" برای همگان بود، همچنین ثمراتی که در سایه این امنیت بر آن شهر سرازیر گردد:

بقره ۱۲۶- ...وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ... ابراهیم ۳۵- وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا... ۞

به تصریح قرآن، تقسیم زمان سالیانه به دوازده ماه، از همان آغاز آفرینش جهان تثبیت شده است که یک سوم آن، یعنی چهار ماه "حرام" شمرده می‌شود؛ حرام از جنگ و جدال تا با رعایت این "حریم" و قانون برپادارنده الهی، "امنیت" برقرار گردد و مردمان به یکدیگر ظلم نکنند؛ گویی همچون خواب شبانه که یک سوم عمر ما را برای استراحت و آرامش می‌گیرد، مکانیسم بازدارنده‌ای برای یک سوم سال باید باشد تا آدمیان در پرتو امنیت آن با کنار هم گرفتن و چشم در چشم دوختن و گفتگو کردن از دشمنی و نفرت به دوستی و نزدیکی گرایش یابند.

توبه ۹- إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ۚ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۚ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ..... ۞

به این ترتیب مشیّت الهی برای "حرام" نامیدن شهر مکه، خانه خود، مسجد، مناسک آن و سنت شمردن احرام بستن و محرم شدن، به وجود آوردن کانون امنیتی در دل آن سرزمین دشمن‌خیز و ارائه مدل و نمونه‌ای از "افت" برای بشریت بود (سوره قریش) تا "حرمت" انسان نگه داشته شود و هیچکس دستگیر و ربوده نگردد:

عنکبوت ۶۷- أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ۚ

آیا نمی‌بینند که ما حریم امنی (شهر مکه) به وجود آورده‌ایم، در حالی که مردم پیرامونشان همواره (با غارت و اسارت و قتل) ربوده می‌شوند؟ با این حال آیا اینان به باطل می‌گروند و نعمت خدا را نادیده می‌گیرند؟

تقوا، پیش نیاز حرمت نگهداری

پروا پیشه کردن در عدم نقض حریم‌ها و خود داری از ارتکاب آنچه ممنوع است، نیازمند تسلط بر نفس و کنترل نفس نیرومندی است که در عُرف، وجدان بیدار یا پلیس درون و در قرآن "تقوا" نامیده می‌شود. شعائر و حرمت‌های حج که در نهایت به "قربانی" منتهی می‌گردد، بهانه و وسیله‌ای است برای تمرین و کسب هر چه نیرومندتر تقوا. نگاه کنید به آیات زیر در پیوند حج با تقوا:

حج ۳۲- ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

بقره ۱۹۶، ۱۹۷- وَأَيُّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ... وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ ۚ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ۗ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ ۗ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

تقوا، اساس "قربانی" و بستر تقرب به پروردگار

همانطور که گفته شد، هدف نهائی مناسک حج رسیدن به مرحله قربانی و ایثار کامل است، و قرب به خدا نیز تنها به نیروی تقوا ممکن است. آیه زیر نشان می‌دهد اساس قربانی و آنچه ما را به خدا نزدیک می‌کند، همان تقواست: حج ۳۷- لَنْ يَبَالَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَائِهَا وَلَكِنْ يَبَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ

تاریخچه قربانی گویا با تجربه دو فرزند آدم (هابیل و قابیل) رقم خورده است، از آنجائی که در اینجا نیز شرط قبولی قربانی، تقوا شمرده شده است، تأمل در آن، درس آموز خواهد بود:

مانده ۹۹- وَائِلٌ عَلَيْهِمْ نَبَأُ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

و سرانجام، از آنجائی که کل مراسم حج از سیر توحیدی منجر به قربانی حضرت ابراهیم نشئت گرفته است، مطلب را با تلاوت آیتی که بیانگر این تسلیم و تقرب شگفت‌انگیز است خاتمه می‌دهیم:

صافات ۱۰۰ تا ۱۰۹- رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۗ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ۗ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ وَتَرَكَنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

نگاهی به امروز

بیش از ۱۴ قرن از بیان چنین نعمتی گذشته است. آیا هنوز وقت آن نرسیده است که در جوامع استبدادزده اسلامی حرمت شهروندان در سایه آزادی و امنیت پاسداری شود؟ در بسیاری از کشورها پارک‌هایی برای تظاهرات آزادانه مردم و بیان خواست‌ها و شعارهایشان تعیین شده است، توده‌های مردم در کشورهای که آزادی و امنیت حاکم است می‌توانند بدون اسلحه تظاهرات خیابانی کنند. میدانی (همچون التحریر در قاهره) می‌تواند محل تجمع و چادر زدن چند هفته‌ای مخالفین گردد.

راه دور نیرویم، در ایران خودمان، در دوران قاجار، معترضان به ظلم و ستم شاه و دربار حداقل می‌توانستند به سفارت انگلیس یا روسیه پناهنده شوند، هر چند به ناچار و ناخودآگاه از عقرب و رطیل به مار غاشیه پناه می‌بردند!! در دوران محمد رضا شاه نیز مجلسین شورا و سنا گهگاهی پناهگاه تحصن کنندگان می‌شد و این امید وجود داشت که در حصن حصین خانه مردم امنیت‌شان رعایت گردد. اما در نظام استبداد مطلقه فقیه، هیچیک از این حداقل‌ها وجود ندارد؛ هنوز ده‌ها نفر به جرم راهپیمائی شرعی و قانونی روز عاشورا در زندان‌های ولی فقیه اسیرند. رهبران جنبش "رای من کو؟" بدون محاکمه در خانه‌های ناامن سربازان گمنام ولی فقیه اسیرند. اخیراً آزادگانی که نامه‌ای سرگشاده به آقای خاتمی در ضرورت تأمین شرایط آزاد برای انتخابات آینده نوشته بودند، بعضاً مورد بازجویی قرار گرفته و یکی از آنان (آقای مهندس محمد توسلی) را به جرم جعل امضاء!! دیگران روانه زندان کرده‌اند! به این ترتیب نشان دادند شهروندان نه به مقامات دولتی، که به یکدیگر نیز حق نامه سیاسی نوشتن ندارند!

هر دم از این باغ بلائی می‌رسد! امسال از برگزاری نماز عید قربان هموطنان اهل تسنن در تهران و اصفهان ممانعت به عمل آمده است! شاید می‌ترسیدند آنها نیز از ضرورت آزادی و امنیت و "حرمت"‌های این ماه "حرام" سخن بگویند و خواستار "حقوق" اولیه خود در یک نظام مدعی دین و ایمان گردند! به این ترتیب ملت ما که نه برای زندگان، بلکه برای تشییع جنازه و مراسم ختم و ترحیم متوفیانش آزادی و امنیت ندارد، در سایه ولایت مطلقه فقیه به دوران جاهلیت قبل از اسلام رجعت کرده و با قانون جنگل که حق با قدرت تعریف می‌شود، اداره می‌گردد!؟